



Translate LUNA

Clean LUNA

Type ASAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

فقط بهم دست
نزن پارسک!

ESTRU

ENDO

از وقتی کین بهم اعتراف
کرده یه هفته می‌گذره.

TAP
TAP

~~~~~

داری می‌ری رو مخم.  
گورتو گم کن.



نمی‌دونم چطوری باید  
باهاش رفتار کنم.





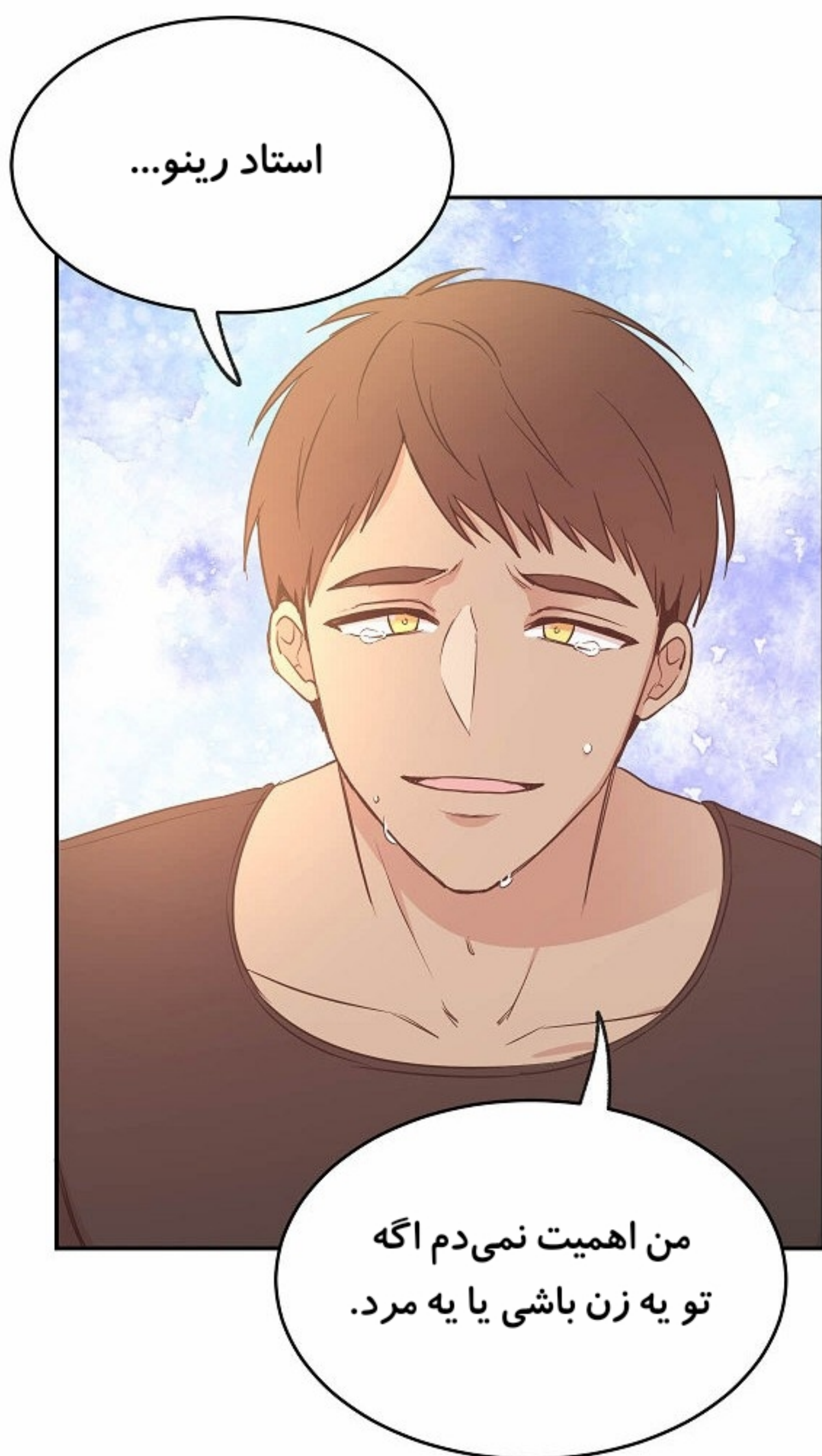
چند وقت پیش کین  
بهم اعتراف کرد.



چ... چی؟









فکر کنم قبلم  
اینو شنیدم...

یه بزرگ و خواجه، یک  
روح در بدن، صوم؟!

اینطوری نیست  
که من به مردا علاقه مند  
باشم، فقط برام مهم نیست  
اگه تو مرد باشی!

آه... بلی... البته...

به خاطر همین بود  
که نمی‌تونستم با لرد دیهاس  
تنهاتون بذارم...

.....

Iris  
Sekai  
T.me/  
IrisSekai

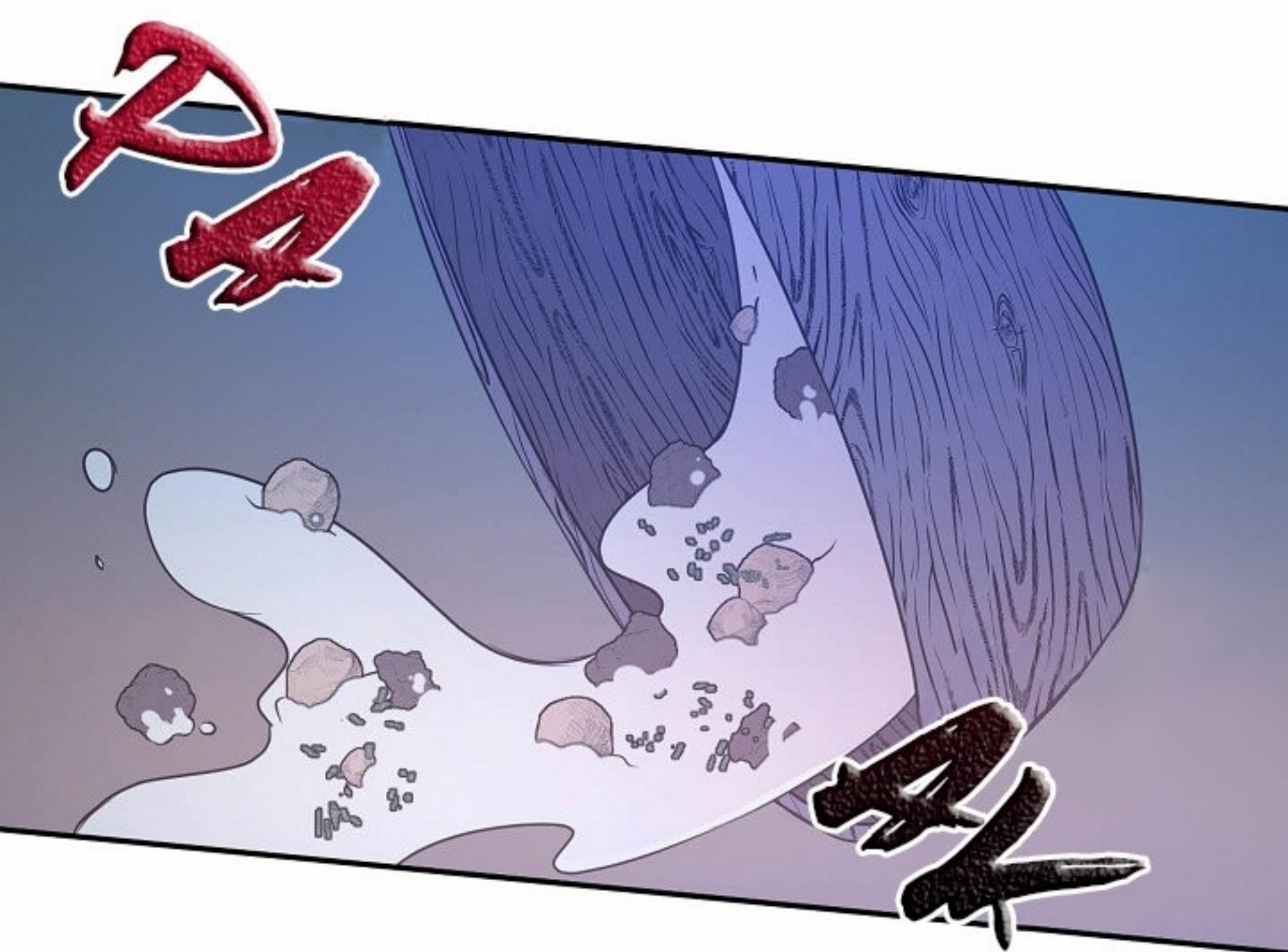


علی: یا بروم و بگم  
از سر این بدبج بردار==

... دیگه طاقت ندارم تو رو تو  
دستای لرد دیهاس رها کنم!









استاد رینو، اگه  
بازم غذا نخوری...!

فکرشم نکن چیزیه که  
تو بهم دادی بخورم.



از کجا بدونم مسمومش نکردی؟







...یه چیز دیگه  
براتون میارم.

Girar!

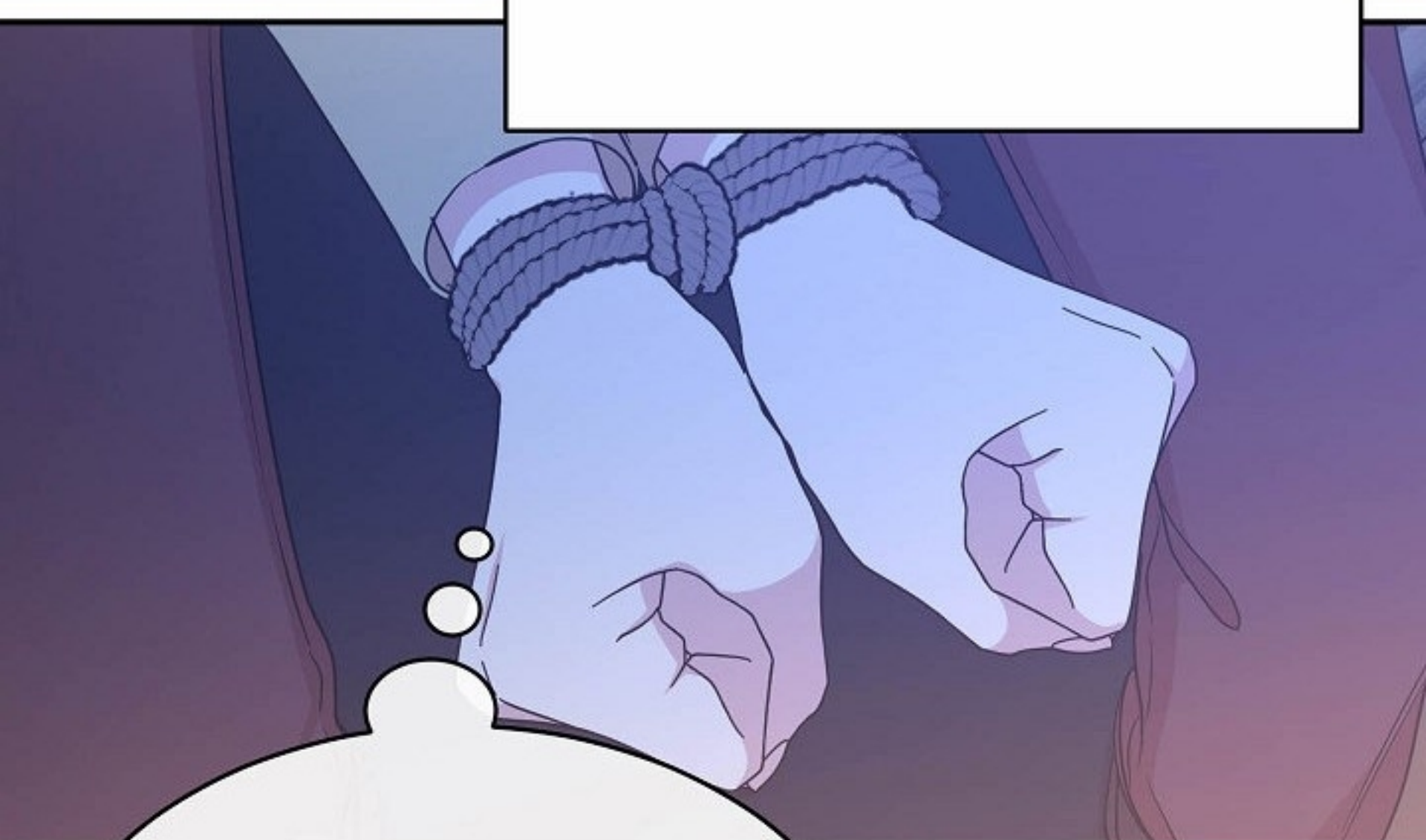
گفتم نمی خورم!



معلومه. من فقط دارم  
عصبانیتمو روش خالی  
میکنم.



کینی که من می‌شناسم یه کار  
احمقانه‌ای مثل این نمی‌کنه که  
بیاد غذا مو مسموم کنه.



ولی کینی که من  
می‌شناسم هم‌چنین کاری  
رو هم نمی‌کنه.



شخصیتم از پیش بینی هام  
و روشی که اون رو ساختم  
جدا شده.





اگه بخوام رو راست باشم...



به خودت گشنگی نده.



... حقیقتا یکم ترسیدم.





نمی تونم این کارو بکنم!

\* کره ای ها هرگز نمیدارن کسی گشنگه بمونه

ولی عصبانیتم از ترسم بزرگتره.





نمی‌تونم نادیده گرفته  
شدن خواسته‌ام توسط  
اونو ببخشم...

ادوارد...  
...

و مهم‌تر از اون، نمی‌تونم کینو  
به خاطر خیانت به ادوارد ببخشم.

اون حتما نگرانه.

به خاطر دوباره غیب  
شدنم ترسیده.





و الان کین بهش خیانت کرده...



ولی اشتباه برداشت  
نکن، ادوارد.

کین چون دلش می‌خواسته  
نرفته طرف امپراطور.





همش به خاطر منه...









من کسیم که بین  
این دو نفر گیر کرده.



هیچ وقت نزار کسی  
بفهمه تو یه زنی.



تو نقطه ضعف  
من می شی.







من به این که اون فهمیده من به  
زنم مشکوک شده بودم، ولی...

اصلاً به نظر نمیاد  
فهمیده باشه.

و اصلاً عین  
خیالشم نیست وقتی  
سرش داد زدم.

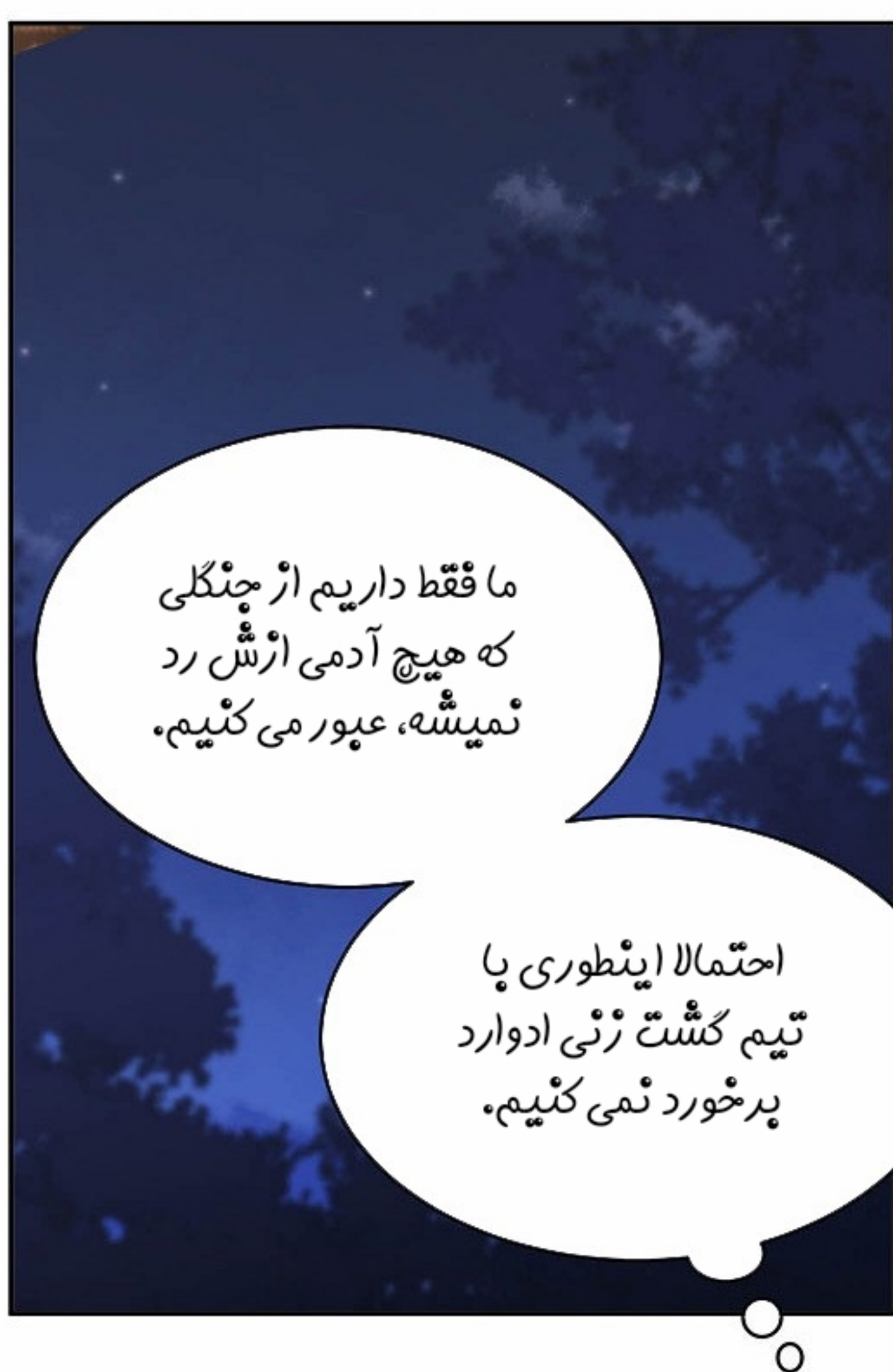
... نه، پیخیال. این  
فکرا رو پریند دور.

*Saendir*

*Saendir*

الان وقت بازیای  
عاشقانه نیست.





ما فقط داریم از جنگلی  
که هیچ آدمی ارزش رد  
نمیشه، عبور می کنیم.

احتمالا اینطوری با  
تیم گشت زنی ادوارد  
پر خورده نمی کنیم.



وقتی اینطوری تا چشم کار میکنه  
درخت پیدااست باعث میشه حتی  
نفهمم کدوم گوری هستیم.

نمی‌تونم حتی حدس  
بزنم چه زمانی آدمای  
امپراطور میان سراغمون.



به عبارتی، اگه من بخوام  
فرار کنم، باید تا حد امکان  
سریع تر انجامش بدم!







علی: جبراً پاش چه دراز شد یهو XD  
از رفتاراش خوشم میاد، دختره گروگان خلعی خوبه XD



من متاسفم. باید غدامون  
رو جیره بندی کنیم...

grrr -

بازم غرغر سر  
غذا شروع شد؟

چقدر رو اعصاب. چرا  
نمیداری گشنگی بکشه؟



اگه حال نداشته باشه و گرسنه باشه  
راحت می‌تونیم با خودمون ببریمش.

هی، حرف دهنتو بفهم.

.....

... قطعاً. منم دلم  
نمیخواد گشنگی بکشم.





ولی انقدری به تو و  
کین اعتماد ندارم که غذاییو  
که بهم می‌دین، بخورم.



ولی، استاد رینو...  
این غذا خوبه...

پس،

Levantarse



خودم میرم و یه چیزی  
برای خوردن پیدا می‌کنم.





از شما برای خواندن کارمون  
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون  
**ذکر منبع** کار ما رو جای نذارین.  
شما میتونین با جوین شدن تو چنل  
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه  
جذاب دیکمون رو هم بخونین.

@IriSekai

